

چرا ابتلائات مؤمن ضروری هستند؟ چگونه خداوند مؤمنان را امتحان می‌کند؟

فلسفه ابتلائات مؤمن: چگونه امتحانات الهی، ایمان را تقویت می‌کند؟

آیا تاکنون در میانه‌ی سختی‌ها و رنج‌ها با خود اندیشیده‌اید که «چرا من؟»، «چرا حالا؟» گاهی انسان احساس می‌کند در مسیر درستی گام برمی‌دارد، اما ناگهان با طوفانی از ابتلائات مواجه می‌شود و درست در لحظه‌ای که گمان می‌کرد همه چیز آرام است، زمین زیر پایش می‌لرزد.

شاید شگفت‌انگیز باشد، اما همین رنج‌ها، بخشی از مسیر قرب الهی‌اند. در سنت الهی ابتلاء نه نشانه‌ی خشم خداوند، بلکه جلوه‌ای از تربیت ربانی اوست؛ راهی برای صیقل دادن ایمان و رساندن انسان به مقامی بالاتر. هیچ‌کس از این قاعده مستثنا نیست؛ نه پیامبران، نه اولیاء و نه بندگان مؤمن.

اگر خاطرتان باشد در درس‌های گذشته آموختیم که **ابتلاء** یک سنت الهی است و همه انسان‌ها حتی انبیاء و اولیاء الهی، در معرض ابتلائات و آزمون‌های الهی قرار می‌گیرند. اساساً راه رسیدن به کمال و شبیه شدن به الله، بدون سختی ممکن نیست و این سختی برای انبیاء و معصومین (علیهم‌السلام)، با شدت بیشتری بوده است. نگاهی کوتاه به زندگی انبیاء و ائمه اطهار که بهترین خلق خدا بوده‌اند، به وضوح بیانگر این حقیقت است که سراسر زندگی آن‌ها توأم با انواع سختی و مشکلات بوده است. علت این امر آن است که بلا همواره متناسب با ظرفیت ایمان افراد نازل می‌شود و از آنجا که انبیاء در قله ایمان قرار گرفته‌اند، نزول بلاء بر آنان بیشتر و شدت بلاء افزون‌تر است.^۱

در واقع هر کس متناسب با مرتبه ایمان و وضعیت روحی خویش باید میزان بیشتری از سختی‌ها را تحمل کند و با دشمنان قوی‌تری بجنگد. به تعبیر بزرگان دین، انسان مؤمن حکم کفه ترازو را دارد، هر چه ایمانش

۱ امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الْأُمَمُ فَلَا أُمَمٌ...» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۲۵۲) (سخت‌ترین مردم از لحاظ بلا و گرفتاری پیغمبرانند، سپس کسانی که در پی آنانند، سپس کسی که از دیگران بهتر است به ترتیب.)

بیشتر باشد، مصائب و ابتلائات او نیز افزون‌تر است؛^۲ یعنی ایمان، معیار سنجش بلاست؛ زیرا ایمان مؤمن با بلا سنجیده می‌شود و نیز با بلا ارتقاء می‌یابد. نکته مهم و قابل توجه این است که اگرچه انسان مؤمن همچون سایر انسان‌ها در معرض انواع بلاها و سختی‌ها قرار می‌گیرد؛ اما چون به نیروی ایمان مجهز شده است، شخصیت اصلی او هیچ‌گاه لطمه نخواهد خورد و فقط به طبیعت او فشار وارد می‌شود.

در این نوشتار، تلاش داریم نگاهی دقیق‌تر به فلسفه ابتلائات مؤمن داشته باشیم، انواع ابتلائات مومن را بررسی کنیم و ببینیم چگونه این سختی‌ها زمینه‌ساز رشد، ارتقاء و نزدیکی به خداوند شوند.

بررسی انواع ابتلائات مؤمن

همان‌طور که یک استاد رزمی‌کار، برای رشد و قوی شدن شاگردانش، انواع فضاهای تمرینی را فراهم کرده و آن‌ها را در تقابل با حریف‌های قدرتمند قرار می‌دهد، خداوند متعال نیز به عنوان رب و مربی انسان، دائماً مؤمن را در معرض پنج سختی قرار می‌دهد^۳ که هر کدام از این موانع، حکم کوره‌هایی را دارد که مؤمن در آن‌ها پخته شده و روز به روز بر درجه ایمان و اخلاصش افزوده می‌گردد؛ در واقع خداوند با انواع ابتلائات، قلب مؤمن را شخم می‌زند تا بذر ایمان و عشق و محبت در آن رشد کند. وجود این پنج شدت در زندگی مؤمن اجتناب‌ناپذیر است و همچون اکسیژن برای نفس کشیدن کاملاً طبیعی بوده و ضرورت دارد.

انواع ابتلائات مومن: مؤمن حسود

یکی از مهم‌ترین شدائد و سختی‌هایی که برای مؤمن وجود دارد، مؤمن حسودی است که تحمل دیدن رشد و پیشرفت دیگران را ندارد. باید توجه داشت که مؤمن همیشه محبوب نیست و گاه ممکن است گرفتار

۲ امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَفَّةٍ الْمِيزَانِ كَلَّمَا زِيدَ فِي إِيمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَاءِهِ» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۲۵۳)
۳ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ بَيْنَ خَمْسٍ شِدَائِدُ مُؤْمِنٍ يَخْشَدُهُ وَ مُنَافِقٍ يُبْغِضُهُ وَ كَافِرٍ يُقَاتِلُهُ وَ نَفْسٍ تُنَازِعُهُ وَ شَيْطَانٍ يُضِلُّهُ» (ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، ج ۱، ص ۹۶)

حسادت و تنگ‌نظری اطرافیان شود؛ مخصوصاً اگر نعمتی از مادیات یا معنویات به او اختصاص یابد؛ برای مثال، گاهی اوقات مرد خانه به ادامه تحصیل همسر خود حسادت می‌کند و مانع پیشرفت او می‌شود و در مسیرش سنگ‌اندازی می‌کند.

نکته مهم اینکه در بین ابتلائات مؤمن، تیغ مؤمن حسود از سایر ابتلائات مومن تیزتر و برنده‌تر است؛ چون خباثت و دشمنی مومنان حسود از جانب دوستان اتفاق می‌افتد؛ به عنوان مثال، اگر مؤمن تشخیص دهد آن چیزی که سراغش آمده و او را اذیت می‌کند وسوسه شیطانی‌ست، به خوبی با آن مقابله می‌کند؛ اما تحمل مؤمن حسود بسیار سخت و دردناک است؛ چون جهنمی است که در قالب مقدس به مؤمن تحمیل می‌شود و او دستش بسته است و نمی‌تواند این غده سرطانی را به راحتی درمان کند.

انواع ابتلائات مومن: منافق

در زندگی مؤمن، همواره منافقانی هستند که بغض او را در دل دارند و علیه وی توطئه می‌کنند؛ منافق همواره در پی گناهان و لغزش‌های مؤمن است تا به اصطلاح مچ‌گیری کند و اعتبارش را در میان مسلمین از بین ببرد؛ منافق با نقاب دین، مؤمن را به چالش می‌کشد تا نقاب از چهره باطن او برداشته شده و بصیرتش معلوم شود. مؤمن در مواجهه با منافق، کسب صفات غفور و رحیم خداوند را تمرین می‌کند؛ بنابراین نباید به دنبال عافیت‌طلبی باشد؛ زیرا خداوند راحتی و آسایش را برای بعد از مرگ و بهشت قرار داده‌است.

ناگفته نماند که علاوه بر فرد، جامعه نیز همواره در معرض توطئه‌های منافقین قرار دارد؛ منافقین علی‌رغم ظاهر مذهبی و ولایی خویش، در عمل هیچ اعتقادی به ولایت، مبانی امام جامعه و مصلحت مردم ندارند؛ اما بیش از هر کس دیگری دم از مردم‌داری و مطالبات مردم و ادعای پیروی از خط امام می‌زنند.

انواع ابتلائات مومن: کافر

دومین مورد از ابتلائات مؤمن، کافری است که همواره سعی دارد او را از دایره ایمان خارج کرده و در مسلک خود درآورد. همان‌طور که بدن برای قوی‌تر شدن احتیاج به میکروب دارد، روح مؤمن نیز در مواجهه با آزار و اذیت کافران رشد و قدرت پیدا می‌کند. کسی که دائماً زودرنج است و با کوچک‌ترین اذیتی از کوره در می‌رود، هرگز رشد نمی‌کند و نمی‌تواند به الله برسد؛ در واقع کافر با ایجاد زمینه جهاد، میدان را برای تثبیت ایمان مؤمن و عشقش به خداوند فراهم می‌کند. امام حسین (علیه السلام) نیز در تقابل با کافرانی همچون شمر، یزید و عمر سعد، به عالی‌ترین درجات رسید؛ اگرچه ظاهر قضیه یعنی جنگ‌ها و دشمنی‌ها بد است؛ اما باطن آن، ارتقا و رشد است.

انواع ابتلائات مومن: شیطان

یکی از ابتلائات مؤمن در زندگی، وجود شیطان است، که همیشه در صدد گمراهی و اغوای اوست. بغض شیطان به انسان آن‌چنان عمیق است که قسم یاد کرده تمام خلق را گمراه کند. شیطان حتی در صراط مستقیم نیز منتظر گمراه کردن انسان‌هایی است که در مسیر درست قدم بر می‌دارند؛ از جمله مؤمنین.^۴ در واقع به همین خاطر است که وقتی شخصی توبه می‌کند و در صراط مستقیم قدم می‌گذارد، بیش از پیش مورد حملات چهارگانه شیطان و افکار منفی قرار می‌گیرد.

بدون شیطان، ایمان مؤمن تثبیت نمی‌شود و به مقام ولایت، محبت، مجاهدت و اخلاص نمی‌رسد؛ اگر شیطان نباشد، انسان به هیچ درجه‌ای از درجات بهشت راه پیدا نمی‌کند. هرکس به هر درجه‌ای از درجات بهشت رسیده، به کمک نفس اماره و نیز به برکت وجود شیطان بوده‌است.

^۴ سورة اعراف، آیه ۱۶

انواع ابتلائات مومن: هوای نفس

پنجمین عاملی که مؤمن را در تنگنای شدید قرار می‌دهد، هوای نفس اوست. به طور طبیعی هر فردی در طول زندگی خود همواره با نفس و طبیعت خویش درگیری و تزاخم دارد. غلبه بر هوای نفس، انسان را وارد وادی عشق و محبت می‌کند. در واقع تا هوای نفسی نباشد، میدانی برای ترجیح خداوند به خود پیش نمی‌آید. نفس اماره دائماً با خواهش‌ها، تمایلات، هوس‌ها و رذائلی مانند کبر، ریا و غرور مزاحم سیر و سلوک مؤمن شده و او را از مسیر درست منحرف می‌کند؛ اما مؤمن زیرک و عاقل می‌داند که هر آنچه مانع نزدیکی او به خداوند است؛ در واقع نعمتی از جانب پروردگارش بوده و نه تنها برای تضعیف او، بلکه یک میدان تمرینی خوب برای امتحان اوست. هر اندازه این میدان بزرگ‌تر و وسیع‌تر باشد، امکان موفقیت و اوج گرفتن مؤمن نیز بیشتر خواهد بود، همانند باد که وقتی خوب بوزد، بادبادک در آسمان بهتر اوج می‌گیرد و یا وقتی موج دریا بلندتر و بزرگ‌تر باشد، موج‌سواری برای شخص موج‌سوار، شورانگیزتر و زیباتر خواهد بود.

شاید در نگاه اول، دچار شدن به ابتلائات آن هم برای مومنان تلخ و ناعادلانه به نظر برسد؛ اما حقیقت این است که خداوند با همین تلخی‌هاست که شیرینی ایمان را به دل مؤمن می‌نشانند؛ اگر مؤمن در معرض حسادت، نفاق، وسوسه‌های شیطانی، کفر یا وسوسه‌های درونی قرار نمی‌گرفت، چگونه می‌توانست ایمانش را محک بزند، رشد دهد و به مقام قرب الهی برسد؟

ابتلائات مومن نه دشمنان که معلمان اویند. هر کدام آمده‌اند تا چیزی را در دل مؤمن بیدار کنند؛ صبر، حکمت، صدق، اخلاص، یا بصیرت. مؤمن، با عبور از این میدان‌های سخت، از پوسته‌ی عادی بودن درمی‌آید و در مسیر شبیه شدن به الله قدم می‌گذارد. اگر اکنون در میانه‌ی فشارها، وسوسه‌ها یا طعنه‌ها گیر افتاده‌اید، یادتان باشد: ابتلائات مومن نشانه‌ی محبوبیت مومن نزد پروردگارت است و کسی که محبوب خداست، تنها نیست.

در این درس دربارهٔ ابتلائات مؤمن صحبت کردیم و گفتیم که مؤمن همواره با پنج سختی دست به گریبان است که عبارتند از مؤمن حسود، شیطان، کافر، منافق و هوای نفس. این شدائد از ضروری‌ترین نیازهای یک مؤمن است؛ طوری که اگر در معرض این‌ها قرار نگیرد، کمالی برایش اتفاق نمی‌افتد.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer